Iranian Quarterly of Education Strategies
Vol. 3, No. 4, Winter 2011
Pages: 137-141

فصل‌نامه راهبردهای آموزش
دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹
صفحات: ۱۴۱-۱۳۷

مروری

کاربرد دیدگاه پدیدارشناسی *ون‌منن* در مطالعات برنامه درسی

عیسی برقی* *MSc*

*گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: مطالعات پدیدارشناسی عموما با ادراک یا مفاهیم، نگرش و عقاید، احساسات و عواطف افراد سروکار دارد. در این رویکرد، با استفاده از مصاحبه یا محصولات فرهنگی و یا آنچه نویسنده طراحی می‌کند (مانند فیلم، عکس و ...)، می‌توان تجارب افراد از پدیده‌های ویژه را استخراج کرد. این مقاله به بررسی کاربرد دیدگاه پدیدارشناختی *ون‌منن* در مطالعات برنامه درسی پرداخته است. هدف این مقاله بررسی و توصیف دیدگاه پدیدارشناختی *ون‌منن* در زمینه برداشت‌ها از برنامه درسی، میزان اهمیت‌دادن آن به معلم، اهمیت تدریس و انتخاب محتوی و مواد درسی بود.

نتیجه‌گیری: زیست‌جهان شخصی هر فرد می‌تواند در معرفت عمومی تجربه‌های روزمره شناخته شود؛ این تایید، راهی برای ملاحظه توصیف‌های مربوط به زیست‌جهان دیگران می‌گشاید. البته مطالعات ناظر بر این است که گزارش‌های دانش‌آموزان از زیست‌جهان‌شان بسیار متغیر و خلاصه‌تر از آن است که الگوی کلی و روشن از آن پدیدار شود.

کلیدواژه‌ها: پدیدارشناسی، برنامه درسی، تدریس، محتوی و مواد درسی

Application of *Van Maanen*'s phenomenology viewpoint in curriculum development studies

Barghi I.* *MSc*

*Department of Educational Administration & Planning, Faculty of Psychology & Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: Phenomenological studies generally deal with individuals' conceptions, attitudes and beliefs and feelings and affections. In this approach, individuals' experiences can be extracted from specific phenomena using interviews, cultural products or things that the author designs (such as films, photographs and etc.). This paper seeks to investigate the application of *Van Maanen*'s phenomenology viewpoint in curriculum development studies. The aim of this study was investigation and description of *Van Maanen*'s phenomenology viewpoint in fields of deductions from curriculum, rate of respect and attention to the teacher, importance of teaching and choosing educational contents and materials.

Conclusion: Each individual's personal bio-cosmos can be recognized in general knowledge about daily experiences. This approval will open a way to observe the descriptions of other people's bio-cosmoses. Studies show that students' reports of their bio-cosmos are incredibly variable and are so brief that a general and clear model cannot be shaped from them.

Keywords: Phenomenology, Curriculum, Teaching, Educational Content and Materials

نویسنده مسئول: عیسی برقی. تمام درخواست‌ها باید به نشانی isabarqi@yahoo.com فرستاده شوند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۹/۳۰ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۴

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-01-29]

مقدمه

با اعتقاد به این‌که برنامه درسی امری فرهنگی است، شناخت پدیده‌ای فرهنگی، نه‌تنها نیازمند شناخت علل تاریخی اندیشه‌های پدیدآمده، بلکه مستلزم شناخت پدیدآورندگان آن است. بنابرین، تعارضات بین دیدگاه‌های برنامه درسی بیشتر به تفاوت در بستر اندیشه متفکران آن مربوط می‌شود [۱]. مطالعات پدیدارشناسی عموما با ادراک یا مفاهیم، نگرش و عقاید و احساسات و عواطف افراد سروکار دارد. در این رویکرد، با استفاده از مصاحبه یا محصولات فرهنگی یا آنچه نویسنده طراحی می‌کند (مانند فیلم، عکس و ...)، می‌توان تجارب افراد از پدیده‌های ویژه را استخراج کرد. برای مثال از مهاجرین، ورزشکاران یا رهبران استفاده می‌شود تا توصیفی از تجارب، تغییر مکان، پیروزی و قدرت حاصل شود. بنابراین افراد در اجرای مطالعات پدیدارشناسی در مرکز توجه هستند، اما باید توجه داشت که توصیف آنها از تجارب شخصی‌شان حایز اهمیت است و نه خود آنها [۲].

پدیدارشناسی ریشه در نهضت فلسفی *ادموند هوسرل* دارد. وی بر این باور بود که نقطه شروع دانش، تجربه درونی فرد از پدیده‌هاست که شامل احساسات، ادراک و تصورهایی است که به هنگام متمرکزکردن توجه بر شئ، در آگاهی آشکار می‌شود [۳]. این علم قصد دارد که از دریچه چشم و ذهن انسان، مسایل انسان و جهان را بشناسد و بر این باور است که دانش مطمئن، دانشی است که از طریق تجربه ذهن، فکر و احساس حاصل می‌شود [۴]. پدیدارشناسی آنچه را که قابل لمس یا تجربه‌ای حسی نیست (مثل ارزش‌ها و روابط که از طریق شهود و دریافت‌های درونی می‌توان به آن رسید) را مدنظر قرار می‌دهد.

پدیدارشناسی کمک می‌کند که وضعیت حال زندگی کودکان شناخته شده و واقعیت تجربه زیستن در دنیای مدرسه و برنامه درسی درک شود [۵]؛ همچنین سئوالات ساده‌ای می‌پرسد (دوست داریم تجربه خاصی داشته باشیم، احساس تنهایی می‌کنیم، ترس داریم، خسته‌ایم، متحیر هستیم) که باعث می‌شود این احساسات به‌طور سریع در ذهن مرور شده، توضیح داده شود. در رشته برنامه درسی، درباره انتخاب، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی تجارب یادگیری با اطمینان صحبت می‌شود و این اطمینان سئوالاتی را ایجاد می‌کند؛ چرا که باید دریابیم کودک درباره چه چیزی تجربه دارد یا می‌خواهد چه چیزی را تجربه کند [۶].

این علم از ما می‌خواهد تا دنیا را از دریچه تجربیات بلاواسطه و فوری روزمره بنگریم؛ درصدد دست‌یابی به آگاهی باشیم و معنای جهان را بدان‌سان که معنای آن در هستی تجلی پیدا می‌کند درک کنیم. فضا، زمان و روابط انسانی تجربه‌شده، بدان‌سان که ما در عمل این موارد را به‌کار می‌بریم، حایز اهمیت است [۷]. پدیدارشناسی، تلاشی منظم و دقیق برای درک و فهم عمیق و صحیح تجربه است. چنین تلاشی حقیقتا مبدل به امری کاملا پیچیده می‌شود که در عین حال بسیار انعطاف‌پذیر است؛ به‌همین علت، مجموعه‌ای از موضوعات و روش‌شناسی‌های پدیدارشناختی وجود دارد [۸].

هدف این مقاله ضمن بررسی و توصیف دیدگاه پدیدارشناختی *ون‌منن*، شرح برداشت‌ها *ون‌منن* از برنامه درسی، تعیین میزان اهمیت برنامه درسی پدیدارشناختی *ون‌منن* برای معلم، توصیف اهمیت تدریس در برنامه درسی پدیدارشناختی *ون‌منن* و تبیین نظر برنامه درسی پدیدارشناختی *ون‌منن* در مورد انتخاب محتوی و مواد درسی بود.

پدیدارشناسی *ون‌منن*

ماکس ون‌منن یکی از صاحب‌نظران حوزه پدیدارشناسی در تعلیم، تربیت و برنامه درسی است. از دید وی پدیدارشناسی به معنای مطالعه جنبه‌های مختلف یادگیری و تدریس است که توسط افراد در دنیای واقعی تجربه می‌شود. بی‌تردید امروز *ون‌منن* یک صاحب‌نظر محوری و رهبری جهانی در حوزه‌های پژوهش در علوم انسانی محسوب می‌شود که با استفاده از آموزه‌های پدیدارشناسی در تدوین و توسعه روش‌های پژوهش به‌ویژه در زمینه دنیای زیست‌شده بسیار موثر عمل کرده است. نوشته‌های وی موجب گشودن افق‌های تازه در عرصه فهم پژوهش‌های تربیتی شده است. او نزدیک به سه دهه تمام تلاش و توان خود را صرف مطالعه برداشت و تجربه آدمی به‌عنوان جانشین و بدیلی برای پارادایم‌های به عاریت گرفته‌شده از علوم طبیعی برای مطالعه و یادگیری کودکان و آموزش آنها نموده است [۷].

ون‌منن بر این باور است تعلیم و تربیت عبارت از شرایط و موقعیت تدریس است. آنچه که در تعلیم، تربیت و برنامه درسی واجد اهمیت است عبارت از فرد یا کودک و ویژگی‌های منحصر به فرد اوست. تعلیم و تربیت چیزی نیست جز زندگی‌های منحصر به فرد افراد و مراقبت و توجه معلمان نسبت به این خصوصیات منحصر به فرد [۹]. تعلیم و تربیت هم با نظریه و هم با عمل سروکار دارد اما هر دو بر چگونگی نحوه عملکرد موثر، سنجیده و مناسب در رابطه با کودکان دلالت دارد [۱۰]. در واقع ما زندگی انسانی و هستی خود را فراموش کرده‌ایم، بنابراین علت موفقیت نظریه پدیدارشناختی اجازه رویت چیزهایی است که خودش را از ما پنهان کرده‌اند و عمق معنی جهان را به ما نشان می‌دهند [۶]. پدیدارشناسی امتحان و بررسی فرضیه‌ها نیست، بلکه یافتن افرادی است که روی آنچه می‌بینند، تامل کنند و شامل کسانی می‌شود که دائما جستجو می‌کنند. جوهر و اساس تجربه، تدریس‌کردن، تصورکردن، درک‌کردن، به‌خاطرآوردن، فکرکردن و ... درباره چیزی است [۱۱].

ویژگی‌های برنامه درسی مبتنی بر دیدگاه پدیدارشناسی *ون‌منن*

ون‌منن برای برنامه درسی یا متن در بستر پدیدارشناختی، ویژگی‌های زیر را برمی‌شمرد [۷]:

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-01-29]

۱- متن یا برنامه درسی باید دارای جهت باشد. این بدان معناست که مربیان باید به‌طور آگاهانه این امر را بررسی کنند که چگونه با بچه‌ها مرتبط هستند، اعمال آنها را مدنظر قرار می‌دهند و به آنها گوش می‌دهند [۷]. مربی دارای دیدگاه پدیدارشناسی، جهت‌گیری هستی‌شناسانه و فکورانه را مدنظر قرار می‌دهد و مبتنی بر این دیدگاه، نظریه از زندگی بدان‌سان که زیست شده است، قابل جداسازی نیست. *ون‌منن* می‌گوید اگر واقعا ما محقق هستیم، باید به شیوه پدیدارشناسی، "کلاس درس‌محور" باشیم.

۲- متن یا برنامه درسی باید قوی باشد. مربی از جهت‌گیری و دیدگاهش به‌عنوان منبعی برای دست‌یابی به درک و فهم تربیتی استفاده می‌کند و در سایه انجام فعالیت مختلف تربیتی و پژوهشی آن را تقویت می‌کند. بنابراین مربی رویکرد خود را به‌عنوان یک رویکرد در میان رویکردهای مختلف مدنظر قرار نمی‌دهد، بلکه به‌عنوان رویکردی که دارای جهت‌گیری منحصر به فردی است مدنظر قرار می‌دهد [۱۲].

۳- متن باید غنی باشد. مربی که دارای جهت‌گیری قوی نسبت به دنیای واقعی بچه‌ها است، در خود نوعی علاقه شدید به زندگی واقعی را پرورش می‌دهد [۱۲]. این شیفتگی نسبت به جهان و دنیای واقعی عملا دست‌یابی و ارایه معانی و برداشت مختلف از حوادث را امکان‌پذیر می‌کند، معانی که با بچه‌ها از طریق داستان، حکایت و سایر اعمال توصیف پدیدارشناسی کشف می‌شود.

۴- متن باید عمیق باشد. این امر بدان معناست که متن باید دارای توصیف‌های عمیق و همراه با به‌تصویرکشیدن ساختارهای معنی باشد، یعنی فراتر از آنچه باشد که به شکل حسی و فوری تجربه می‌شود. او در یکی از آثار اخیرش مفهوم و ایده تدبیر را به‌کار گرفته است [۱۳] و بیان می‌کند که در اثر تدبیر تدریس معنای عقلانیت تربیتی را مجموعه‌ای از ویژگی‌های مهم برای فکر در تعلیم و تربیت برمی‌شمرد. برای مثال عنوان می‌کند که تعلیم و تربیت پدیدارشناختی به بسترهای مربوط به داستان‌ها و حکایت‌های زندگی حساس است. به‌علاوه از ما می‌خواهد که درباره زندگانی کودکان تامل و تفکر کنیم [۱۱]. لذا *ون‌منن* نقش بسیار مهمی در ترجمه و تبدیل اندیشه‌های پدیدارشناسی به زبان برنامه درسی به‌عمل آورده است. تلقی او از پدیدارشناسی به‌عنوان راهی برای تفکر و اندیشیدن و نیز البته روشی برای عمل‌کردن، به او این توان را داده است تا در هر دو حیطه نظریه و عمل تربیتی، آثار ارزشمندی را تدوین و منتشر کند.

مواد و محتوی

ما می‌توانیم همه چیز برای همه کودکان داشته باشیم. وقتی که من خود، یک معلم ورزش، ادبیات، تاریخ یا علوم هستم، دامنه شغلی مسئولیت‌ها و ظرفیت‌های خود را اعلام می‌دارم. اما چه چیزی اهمیت مواد موضوعی خاص را نشان می‌دهد. آیا معلم، ریاضی تدریس می‌کند؟ یا به بچه‌ها تدریس می‌کند (آیا مواد درسی یا خود دانش‌آموز برای معلم اهمیت دارد)؟ این سئوال، اشتباه دو مقوله‌ای است که از توجیه عقلی درباره آموزش و پرورش نشات می‌گیرد؛ حتی آنهایی که می‌گویند من هر دو را تدریس می‌کنم، از قبل دچار اشتباه شده‌اند، چراکه هم با کودکان و هم با مدرسه مواجه هستند [۵].

معلمان ابتدا بر مواد موضوعی متمرکز می‌شوند که به‌دلیل تخصص آنها است. حائز اهمیت است که بگوییم من ریاضی تدریس می‌کنم، هرچند که واضح نباشد برای چه کسی و چه دوره‌ای است. چون زندگی مدرسه‌ای ۱۰ساله‌ها با کودکان ۱۵ساله متفاوت است. اما چه چیزی تدریس ریاضی یا تاریخ به بچه‌ها را شبیه می‌کند؟ ماهیت موضوع در تجربه تدریس‌کردن چه چیزی است؟ در گوش‌دادن چه چیزی است که آن اجازه می‌دهد ما چیزی بدانیم؟ ما وارد ارتباط با چیزهایی از جهان می‌شویم و چیزهایی را یاد می‌گیریم و این درست نیست بگوییم که ما موضوعات و محتوایی که در برنامه درسی مدارس بوده را یاد گرفته‌ایم. پاسخ‌دهی و گوش‌دادن به موضوع، جوهر ارتباطی موضوع با دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهد و مواد موضوعی را از هدف به عمل تبدیل می‌کند که ما آن را یادگیری می‌نامیم [۵].

معلم

ون‌منن می‌گوید که آموزش و پرورش به‌وسیله چشم‌اندازهای سیاسی معاصر در تعیین اهداف آموزشی متاثر می‌شود و این عمل منجر به تشویق معلمان شده تا روی دانش‌آموزان که برون‌دادهای آموزشی هستند، بیشتر تمرکز نمایند [۵]. معلمان در این مسیر با چند مشکل روبرو هستند، یکی مشکلات موسسه‌ای و دیگری مشکلات شخصی است [۵].

معلمان از دید پدیدارشناختی می‌توانند جنبه‌های چالش‌زای تعلیم و تربیت را در نقش معلم پاسخ دهند تا دانش‌آموزان به تجارب مثبت در فضای مطلوب مدرسه دست یابند و احساس امنیت و سلامتی نمایند و در فعالیت‌های یادگیری موفقیت کسب نموده و از زندگی لذت برند. معلمان رابطه شخصی خود را با دانش‌آموزان توسعه و رشد دهند، چراکه مشکل اصلی معلمان عدم توجه به زبانی هست که آنها بیان می‌کنند [۵].

در یک رفتار حرفه‌ای پی‌بردن به ماهیت آموزش و پرورش وظیفه معلمان است *ماکس ون‌منن* می‌گویددر حقیقت بی‌توجهی معلمان به‌علت تکیه به بعد تدریس آموزش و پرورش است (به انتقال مواد تکیه دارند به سایر ویژگی‌های دانش‌آموزان توجهی ندارند).

معلمان از این موضوع آگاهند که فعالیت‌های روزانه تدریس و یادگیری تابع اصولی انفعالی همچون جو مدرسه و کلاس، سطوح رابطه‌ای موجود بین دانش‌آموزان و معلمان، مهارت‌های فیزیکی مورد استفاده‌ی معلمان و پدیدارشناسی پیچیده و ظریف فضای پرشور و زودگذر سالن‌ها، کلاس‌ها، دفاتر و حیات مدرسه هستند [۱۰]. یک معلم می‌تواند از خودش بپرسد که چرا دوست دارد معلم شود؟ و این پدیدارشناسی است که کمک می‌کند از روی هوشیاری درباره

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-01-29]

موقعیت‌ها تامل کند و به آنها جواب دهد [۱۴].

تعلیم و تربیت

در نگاه اول ما می‌توانیم تعلیم و تربیت را به‌عنوان نوعی خاص مواجه و ارتباط بین مادر و فرزند، معلم و شاگرد و همچنین فعالیت‌های علمی والدین و نوجوان بدانیم [۵]. لازمه پدیدارشناختی شروع مداوم چیزی نو و تازه است و برگشت به دنیای زندگی است و تعلیم و تربیت ما را به سوی رفتار رشدیافته و مداوم با کودکان و دانش‌آموزان پیش می‌برد. پدیدارشناختی دنیای زندگی را تعلیم و تربیت فرض می‌کند و این حقیقتی است که در تجربه زیسته موقعیت‌ها، یعنی جایی که تعلیم و تربیت در زندگی کودکان و والدین حاضر است. اما چگونه تعلیم و تربیت را در تجربه خودمان بررسی کنیم؟ چگونه می‌دانیم که تعلیم و تربیت در زندگی معلمان و والدین حاضر یا غایب است؟ ما ادعا می‌کنیم که معلمان بر حسب توانایی، اثربخشی و شایستگی که دارند، براساس ارزش‌هایی خدمت می‌کنند [۵]. معلم و والدین شایسته، می‌دانند که چگونه باید کودکان را برای موقعیت‌های احساسی (امنیت، عشق ،تقابل، استواری و پیوستگی) آماده کنند و این توانایی تعلیم و تربیت آنان را نشان می‌دهد [۵].

بررسی پدیدارشناسی *ون‌منن*

۱- موضوع مهمی که باید بررسی شود خود برنامه درسی و برداشت‌های *ون‌منن* از برنامه درسی است. *ون‌منن* تعریف دقیقی از برنامه درسی ارایه نمی‌دهد و برنامه درسی وی بر تجربه زیست‌شده فراگیر مبتنی است تا تمرکز روی مسایل شناخت‌شناسانه، واقعیت‌شناسانه و مسایل متافیزیکی، در برنامه درسی به‌عنوان موضوع پدیدارشناسی تجربه زندگی روزمره فراگیر، منابع اصلی اطلاعات برنامه درسی محسوب می‌شوند و ویژگی‌های جهت‌دار، قوی، غنی و عمیق‌بودن را برای برنامه درسی لازم می‌داند.

۲- *ون‌منن* به اهمیت و نقش معلم در برنامه درسی توجه خاصی دارد. پدیدارشناسی *ون‌منن* کمک می‌کند معلمان از روی هوشیاری واقعی و حقیقی درباره موقعیت‌ها تامل کنند. چنان‌که می‌بینیم *ون‌منن* به ارتباط بین معلم و دانش‌آموز اهمیت می‌دهد و بر صمیمیت معلم تاکید می‌کند. ولی سئوال اینجاست که صمیمیت معلم اگرچه به‌عنوان یک عامل دخیل در تدریس موثر قابل فهم و درک است، اما به دشواری می‌توان آن را کمی کرد و دشوارتر این‌که آن را به معلم‌های آینده انتقال داد.

۳- در بحث تدریس، در پدیدارشناسی *ون‌منن* نیز تاکید می‌شود که تدریس "انجام‌دادن" نیست بلکه "بودن" است. در تدریس به معنای بودن، معلم نه‌تنها در پی شناخت موضوع درسی به‌عنوان موضوع شناسایی است؛ بلکه، در پی شناخت فراگیران به‌عنوان شناسنده نیز هست [۱]. بنابراین پدیدارشناسی رویکردی دانش‌آموزمحور و مساله‌محور دارد و تدریس به‌عنوان منبعی از تجارب است که متکی به دریافت‌ها و کنترل کیفیت‌ها است، یک فعالیت شهودی و یا خلاقانه و نیز در جستجوی نتایج پیش‌بینی‌نشده است و تدریس به منزله فرآیندی که در آن انگیزه‌های یادگیری (علاوه بر انتقال مفاهیم) هدایت می‌شود و معلم از نقش انتقال‌دهنده صرف اطلاعات و دانش، به کارگزار و راهنمایی مبدل می‌شود که در تکوین نگرش‌ها و انگیزه‌های دانش‌آموزان بسیار موثر است.

۴- در پدیدارشناسی *ون‌منن* محتوای درسی علاوه بر معنای شناختی باید دربرگیرنده معانی غیرشناختی یا معانی برتر نیز باشند. بنابراین شعر، موسیقی و نقاشی به‌عنوان هنرهایی که معانی برتر را ارایه می‌کنند از اهمیت خاصی در پدیدارشناسی برخوردار است. برنامه درسی به جای انتقال معانی از جهان پیرامون به ذهن فراگیر، روی بازتاب تجربه‌های فراگیر متمرکز است. به فراگیر فرصت‌هایی برای تامل یا بازتاب اندیشه‌هایشان می‌دهد و مبتنی بر تجارب شخصی از جهان است. دانش نسبت به خود مهم‌ترین نوع دانش است و تجربه روزمره و تجربه درونی مبنای انتخاب برنامه درسی است [۱].

نتیجه‌گیری

چنان‌که می‌بینیم در مواقعی رویکرد پدیدارشناسی با زیباشناختی یکی فرض می‌شود. مثلا *جرج ویلیس* پدیدارشناسی را به‌عنوان پژوهش زیباشناختی و پیش‌هرمنوتیک تعریف می‌کند [۸]. ولی در حقیقت نوعی پژوهش تفسیری است که متمرکز بر برداشت و تجربه انسانی است، به‌ویژه آنچه که برخی از آن تحت عنوان کیفیت زیباشناختی تجربه آدمی یاد می‌کنند [۷]. ولی با دقت نظر تفاوت‌های این دو رویکرد مشخص می‌شود، هرچند که در حوزه علوم انسانی نمی‌توان مرز دیدگاه‌ها را کاملا از هم جدا ساخت. *ون‌منن* بر دیدگاه پدیدارشناختی، برای نیاز به یک مفهوم نظری در الگوهای ارتباطی و ادراک و فهم متقابل به هنگام بازسازی برنامه تاکید می‌کند. او توجه خاصی به تناسب فعالیت‌های آموزشی با نیاز فراگیرندگان دارد، زیرا نوآوری‌ها تنها زمانی مناسب خواهند بود و عملی خواهند شد که در الگوهای فکری و عملی افراد بر پایه نوآوری طرح‌ریزی‌شده گنجانده شوند [۱۵]. این نظریه این امکان را فراهم می آورد که سئوال کنیم چه شرایطی را می‌توان برای ایجاد و گسترش موقعیت‌های یادگیری تعیین کرد؟ چه نوع ترتیبی در عرضه مطالب درسی به‌کار رود یا به نحوی بازسازی شود که اصلاحات برنامه درسی به‌صورت بهتری صورت پذیرد؟ چه شاخصی برای نیل به درک آگاهانه و تعامل افراد وجود دارد؟ ضرورت و تناسب بازسازی برنامه به همان نحوی که توسط افراد، گروه‌ها و نهادهای موثر در فرآیند برنامه درسی تعبیر می‌شود، مطرح است.

ارزش عمده کار *ون‌منن* برای مطالعات برنامه درسی از تصدیق این نکته ناشی می‌شود که زیست‌جهان شخصی فرد می‌تواند در معرفت عمومی تجربه‌های روزمره شناخته شود، چون این تایید راهی را برای ملاحظه توصیف‌های مربوط به زیست‌جهان دیگران می‌گشاید. این

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-01-29]

توصیف‌ها را می‌توان در مواد حاصل از منابعی نظیر ادبیات پدیدارشناختی یا وجودی، شعر، رمان، دفتر خاطرات، مصاحبه‌ها، نظر توده مردم، مشاهدات و هنر یافت. البته مطالعات ناظر بر این است که گزارش‌های دانش‌آموزان از زیست- جهان خود بسیار متغیر و خلاصه‌تر از آن است که الگوی کلی و روشن از آن پدیدار شود [۱۶]. فعالیت‌های تربیتی به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که ما را از درک و فهم روابط تربیتی محروم و منفک می‌کند. جداشدن ما از بسیاری از متغیرهای موجود در دنیای دانش‌آموز سبب می‌شود که فعالیت‌های ما در حوزه‌های تحقیق و تدریس به اقداماتی تصنعی، ساختگی و ظاهرفریب مبدل شود [۱۳]. *ون‌منن* ایجاد تغییر در بینش و دگرگونی تصورات اولیه معلمان، دانش‌آموزان و سایر افراد دست‌اندرکار فرآیند برنامه درسی را که بررسی و تحقیق برنامه را به عهده دارند، پیشنهاد می‌کند. برنامه درسی موضوع ارتباطات برون‌فردی و کنش متقابلی است که باید با معیار متعارف روش اکتشاف یا درک آگاهانه هدایت شود.

در پایان یادآور می‌شویم که این اندیشمند در گسترش مفاهیم برنامه درسی نقش برجسته‌ای داشته است و گفتنی است که در کشور ما دیدگاه‌ها و اندیشه‌های پدیدارشناختی *ون‌منن* (به‌جز در یک مورد)، مورد توجه نبوده است. امید است در آینده به آثار این متفکر توجه بیشتری شود.

منابع

1- Ghaderi M. Understanding the context of curriculum. Tehran: Yadvareh Publication; 2004. [Persian]

2- O'leary Z. The essential guide to doing research. London: Sage Publications; 2004.

3- Merdit G, Walter B, Gal J. Quantitative and qualitative research methods in education and psychology. Nasr AR, translator. Tehran: Samt Publication; 2007. [Persian]

4- Alvani M, Danaee-Fard H. Philosophical theories of government agencies. Tehran: Safa Publication; 2009. [Persian]

5- Van Manen M. Phenomenological pedagogy. Curriculum Inq. 1982;12(3):283-99.

6- Dall'Alba G. Phenomenology and education: An introduction. Educ Theory. 2009;41(1):7-9.

7- Fathi-Vajargah K. Curriculum to the new identity. Tehran: Ayiizh Publication; 2007. [Persian]

8- Willis P. Notes on common culture: Towards a grounded aesthetics. Eur J Culture Stud. 1998;1(2):163-76. Available from: http://www.jstor.org/stable/1180117

9- Van Manen M. The language of pedagogy and the primacy of student experience. In: Loughran J, editor. Researching teaching: Methodologies and practices for understanding pedagogy. London: Falmer Press; 1999.

10- Van Manen M. The pathic principle of pedagogical language. Teach Teacher Educ. 2002;18(2):215-24.

11- Van Manen M. Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy. London (Canada): Althouse Press; 1990.

12- Van Manen M. Childhood's secrets: Intimacy, privacy and the self reconsidered. New York: Teachers College Press; 1998.

13- Van Manen M. The tact of teaching: The meaning of pedagogical thoughtfulness. London: Althouse Press; 1991.

14- Marsh CJ. Concepts for understanding curriculum teachers' library. 4th ed. London: Taylor and Francis Rutledge; 2009.

15- Van Manen M. The phenomenology of pedagogic observation. Canadian J Educ. 1979;4(1):5-16.

16- C-Short E. Understanding of curriculum research. Mehr-Mohammadi M, translator. Tehran: Samt Publication; 2008. [Persian]

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-01-29]